

# موج

نشریه ترویج علم "مدرس و جامعه"



**عنوان:** سنجش کارآمدی جوامع دموکراتیک و جوامع اقتدارگرا در بحران همه‌گیری ویروس کرونا

**نویسندگان:** دکتر زهرا احمدی‌پور، مهدی حیدریان



## سنجش کارآمدی جوامع دموکراتیک و جوامع اقتدارگرا در بحران همه‌گیری ویروس کرونا

دکتر زهرا احمدی پور<sup>۱</sup>، مهدی حیدریان<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup>استاد گروه جغرافیای سیاسی، دانشکده علوم انسانی، [ahmadyz@modares.ac.ir](mailto:ahmadyz@modares.ac.ir)

<sup>۲</sup>دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس

### مقدمه

برخی از متخصصان بیماری‌های واگیر معتقدند که پاندمی‌ها و اپیدمی‌ها دست‌کم با هشت معیار از قبیل انتشار گسترده جغرافیایی، جابجایی یا تحرک بیماری، موارد فراوان حمله و وخامت، مصونیت کمینه‌ای جمعیت، جدید بودن، مُسری بودن، واگیردار بودن و شدت مطابقت دارند. از آنجا که وجه مشخصه‌ی بیماری‌های همه‌گیر ترس و وحشت است، می‌توانند جامعه را دچار تنش و دولت‌ها را با خطر جدی و بحران ناکارآمدی مواجه سازند. همه‌گیری‌ها علاوه بر آن که بر ثبات سیاسی و اجتماعی تأثیرگذار بوده‌اند، آنها نتایج جنگ را نیز تعیین کرده‌اند و گاهی از جمله عوامل آغاز جنگ‌ها بوده‌اند. بنابراین حکومت‌ها اعم از اقتدارگرا و دموکراتیک چگونگی مواجهه با چنین امر مهمی را در دستور کار خود قرار داده‌اند (برجس، ۱۳۹۶: ۲۸۳). بدون تردید ویروس کرونا تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی است و قاعدتاً باید کشورها برای مقابله مؤثر با این پاندمی، همکاری جهانی را در اولویت قرار دهند و در یک رهیافت مشترک به مبادله اطلاعات و تلاش‌ها برای تولید واکسن ادامه دهند؛ هرچند در عمل بعید است که چنین وحدت رویه‌ای را شاهد باشیم. در این بین با قطع و یقین کامل نمی‌توان مدعی بود که ماهیت دموکراتیک یا اقتدارگرایی کشورها در کم و کیف مهار و یا مواجهه با بحران کرونا در کارآمدی یا ناکارآمدی اقدامات نقش بی‌بدیلی داشته است.

به طور کلی می‌توان ادعان نمود از آنجا که در کشورهای دموکراتیک، رسانه‌های توانمند و مستقل، فرصت پنهان‌کاری و فریب افکار عمومی را از حکومت‌ها می‌گیرند، در نتیجه عملکرد آنها در مواجهه با بحران‌های اقتصادی، سیاسی و بهداشتی نسبت به کشورهای اقتدارگرا کارآمدتر بوده است. از طرفی دیگر، قدرت تحمیل مقررات سختگیرانه در موضوع قرنطینه، امتیازی اساسی به منظور مهار بحران کرونا در کشورهای اقتدارگرا است. هر کدام از این موارد در ادامه مورد بررسی و واکاوی بیشتر قرار می‌گیرد.

## ۱. توانمندی رسانه‌ها

در جریان شیوع کرونا، پاره‌ای از کشورها با نگاه سیاسی و اقتصادی لحظه‌ای، بروز کرونا را پنهان کرده یا بی‌اهمیت جلوه دادند که نمونه آن کشور چین در روزهای نخست بروز کرونا می‌باشد. در حالی که تأکید فراوانی بر صداقت کامل، ارائه اسناد و شواهد، ارتباط و آگاهی‌رسانی و اتخاذ رویکردهای علمی و مبتنی بر داده‌ها و واقعیت‌ها به سلامت عمومی وجود دارد، این امور در واکنش ابتدایی چین رعایت نشدند. هرچند تحت تأثیر فشارهای رسانه‌ای دنیای آزاد، بعدتر به آنها توجه شد. چینی‌ها به خاطر پنهان‌کاری نظام‌شان و فرهنگ دیوان‌سالار سلسله‌مراتبی خود بهای سنگینی پرداختند. اهمال مقامات ووهان در اعلام به موقع ابعاد این مسأله و سرکوب کادر درمانی به معنای از دست رفتن زمان ارزشمندی بود که می‌شد این ویروس را مهار کرد. چین با سرکوب رسانه‌ها نقش مهمی در همه‌گیری ویروس کرونا ایفا نمود (جامی، ۱۳۹۹: ۲۴). در مقابل، یکی از دلایلی که ایتالیایی‌ها وحشت و هراس زیادی از این بیماری نداشتند، این است که آنان - به‌رغم انتقادهای احزاب راست‌گرای ایتالیا - به نظام بهداشت عمومی و در معنایی گسترده تر به خود نظام، اطمینان داشتند.

برخلاف کشور چین، در کشورهای دموکراتیک چنین سیاست‌ها و نگاه‌هایی به وسیله‌ی رسانه‌های مستقل و آزاد مورد نقد و افشاگری قرار گرفت. به‌عبارتی در رژیم‌های استبدادی حکومت مردان، قدرت فائقه هستند در حالی که در حکومت‌های دموکراتیک، حکومت‌مردان در محاصره‌ی نهادهای دموکراتیک و رسانه‌های آزاد و حکمرانان ایالت‌ها قرار دارند. به‌عنوان مثال ترامپ نظر به ملاحظات سیاسی و اقتصادی قصد اتخاذ سیاست ابتلای رمه‌ای در مواجهه با ویروس کرونا را داشت اما سیستم دموکراتیک آمریکا به او اجازه‌ی چنین کاری را نداد. یا اینکه در کره‌جنوبی برخلاف بسیاری از کشورها به جای پنهان‌کاری یا دیر اعلام کردن این بیماری، با اعلام وضعیت جنگی، بودجه‌های میلیارد دلاری فوری را برای مقابله با این بیماری تأمین کرد و به جای آنکه تقاضای وام بدهد و یا برای تأمین بودجه دست به نامه نوشتن بزند، بالاترین مقام این کشور از رأس، بودجه مبارزه با کرونا را بدون معطلی تأمین کرد (روزنامه آفتاب، دوشنبه ۱۸ فروردین ۱۳۹۹).

## ۲. نیازمندی به آراء شهروندان

در جوامع دموکراتیک رهبران و دولتمردان همواره خود را در مقابل انتخاب مردم می‌بینند و مجبورند اقدامات مناسب و به‌جایی را به منظور جلب رأی و نظر مثبت شهروندان به عمل آورند (احمدی پور و حیدریان، ۱۳۹۶: ۶۴). یکی از عرصه‌های اقدامی و عملیاتی، عرصه‌ی سلامت و بهداشت عمومی است، سلامت انسان‌ها به عنوان یک حق اساسی و

دارایی و سرمایه ارزشمند برای تمامی سطوح و طبقات اجتماع است. قوانین کشورهای مختلف از این حق به عنوان اساسی‌ترین حق مردم کشور خود نام برده‌اند. بسیاری از دولتمردان در برنامه‌های انتخاباتی خود این مسئله را به عنوان یک اصل عنوان می‌کنند (Bauman; 2010: 79). رئیس جمهوری فرانسه معتقد است: اگر اتحادیه اروپا موفق نشود در برابر ویروس کرونا یک بلوک مقتدر بسازد، بی شک در اسپانیا، ایتالیا و احتمالاً فرانسه گروه‌های پوپولیست در انتخابات پیروز خواهد شد و این به معنای پایان اروپا خواهد بود (جامی، ۱۳۹۹: ۲۲). در آمریکا نیز اگر چه دولت ترامپ در مقابله با شیوع ویروس کرونا لایحه‌ی یک بسته محرک دو تریلیون دلاری را که مشتمل بر دستمزد کمکی ۱۲۰۰ دلاری برای هر بزرگسال و ۵۰۰ دلار برای هر کودک بود امضاء نمود؛ اما رقیب انتخاباتی وی - بایدن - با تأکید بر موضوعاتی مانند «بیمه‌های درمانی» و «احیای اوباما کر» سعی دارد آرای افراد مستقل و خصوصاً سالمندان را در سبد رأی دموکرات‌ها به گردش در آورد. به‌طور کلی می‌توان گفت که در جوامع دموکراتیک، همواره نیازمندی به آراء شهروندان موتور محرکه‌ی فعالیت‌ها و اقدامات کارآمد می‌باشد، که بحران کرونا نیز از این قاعده مستثنا نیست.

### ۳. گرایش به همکاری‌ها و مشارکت‌های جهانی

به نظر می‌رسد غلبه بر این ویروس تنها در یک هم‌آورد و مشارکت جهانی متصور است. این پاندمی نشان داد که در هیچ جای دنیا راه‌گیزی نیست و تنها با هم‌بستگی عمومی می‌توان بر آن پیروز شد. به روایت روزنامه نیویورک تایمز، دانشمندان بسیاری از کشورها بی‌توجه به قید و بندهای سیاسی دولت‌های متبوع و رقابت‌های میان آنها، مبادلات و هم‌اندیشی علمی را برای غلبه‌ی هرچه زودتر بر این ویروس شدت و سرعت بخشیده‌اند. در کشورهای دموکراتیک، بسترها و فرصت‌های چنین تبادلاتی مهیاتر است. اگرچه صاحب‌نظرانی همچون ایان برمر، نویسنده‌ی هفته‌نامه‌ی تایم و گوردون براون، نخست وزیر اسبق بریتانیا، از پیوند میان «بحران جهانی کرونا و رکود ژئوپلیتیک» و ناتوانی ناسیونالیسم از غلبه بر این بحران جهانی سخن می‌گویند و باورمندند که گفت‌وگوی عمیقی میان بازیگران اصلی جهان از جمله دونالد ترامپ، شی جین‌پینگ و مون‌جائه رؤسای جمهور آمریکا، چین و کره جنوبی و جوزپه کونته نخست وزیر ایتالیا انجام نشده‌است تا از آموخته‌های یکدیگر درباره‌ی محدودیت‌های مسافرتی، قرنطینه‌ها و فاصله‌گیری اجتماعی بهره ببرند. اما همکاری، تبادل اطلاعات، آزادی بیان و رسانه در مورد جوانب بحران و دیگر زمینه‌ها در کشورهای دموکراتیک مسبوق به سابقه و محتمل‌تر است.

بیگانه‌هراسی، دشمن‌سازی، انزواطلبی و بی‌اعتمادی به دیگر بازیگران و کشورها و نهادهای بین‌المللی، از خصوصیات و ویژگی‌های نظام‌های اقتدارگرا است. انزواطلبی به دلیل پرهیز از درگیر شدن در امور بین‌الملل است. به عنوان مثال کره

شمالی کوشیده است ضمن حفظ مناسبات اقتصادی و نظامی با چند کشور، از طریق به حداقل رساندن تماس‌های بین‌المللی ممکن برای شهروندانش از موقعیت خود پاسداری کند (Péter; 2020). این‌چنین کنش‌ها و طرز مواجهه با بحران کرونا که مبتنی بر بیگانه‌هراسی و دشمن‌سازی و بی‌اعتمادی به سایر بازیگران بود، بیشتر از جانب حکومت‌های خودکامه و اقتدارگرا بروز پیدا می‌کرد که جریان مقابله با ویروس را به سمت و سوی ناکارآمدی سوق می‌داد. در حالی که در کشوری دموکراتیک همچون بریتانیا، گوردون براون نخست وزیر سابق، خواستار آن شد که دولت‌های جهان هرچه سریعتر یک «حکومت جهانی» موقت تشکیل بدهند تا بتوانند از پس کنترل شیوع ویروس کرونا و بحران اقتصادی ناشی از آن برآیند (پورمندی، ۱۳۹۹: ۱۵).

#### ۴. قدرت تحمیل مقررات سختگیرانه بر شهروندان

از مشخصات و ویژگی‌های نظام‌های حکومتی اقتدارگرا، فرمانبرداری از اقتدار و ادارات کارگزار است که اتفاقاً از ویژگی‌های ممتاز این دست از نظام‌های حکومتی به شمار می‌رود. چنین امتیازی ریشه در تجمع و تمرکز قدرت تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی در گروه کوچکی از سیاستمداران دارد. در نظام‌های اقتدارگرا امکان مدیریت بحران به دلیل وجود قدرت فائقه و برتر داخلی که مقررات را بر شهروندان تحمیل می‌کند، بسیار آسانتر است. بخصوص در بحران شیوع ویروس کرونا که مقابله با آن نیازمند اقداماتی فوق‌العاده و برقراری مقرراتی است که تحمل و انجام آن چندان دلخواه همه شهروندان نیست؛ مقرراتی همچون منع رفت و آمد، توقف فعالیت مشاغل، تعطیلی بنگاه‌های اقتصادی یا رعایت بیش از پیش بهداشت و حفظ فاصله اجتماعی و حضور نیافتن در اجتماعات و مهمانی‌ها در کنار جداسازی افراد مشکوک از سالم از جمله اقداماتی است که برای حفظ سلامت جوامع باید انجام پذیرند. اما این اقدامات به راحتی قابل اجرا نیست و تنها با استفاده از یک قدرت فائقه و برتر داخلی که مقررات را بر شهروندان تحمیل می‌کند، امکانپذیر است. به‌طور معمول در ساختاری انتخابی یا به عبارت دیگر جامعه دموکراتیک، انجام اختیاری گزینه‌های فوق به راحتی قابل تصور نیست.

#### ۵. سوابق مواجهه و کنترل بیماری‌های واگیردار

تاریخ بیماری‌های واگیردار نشان از آن دارد که محافظت واقعی معلول همبستگی جهانی و در میان گذاشتن اطلاعات علمی معتبر است. وقتی کشوری دچار بیماری همه‌گیر می‌شود، باید اطلاعات مربوط به شیوع بیماری را صادقانه و بدون ترس از فاجعه اقتصادی با دیگران در میان بگذارد. دیگر کشورها نیز باید بتوانند به این اطلاعات اعتماد کنند و مایل به کمک باشند نه اینکه قربانی را از خود برانند. امروزه، چین می‌تواند به همه‌ی کشورهای دنیا درس‌های مهمی درباره

ویروس کرونا بیاموزد اما این امر مستلزم سطح بالایی از اعتماد و همکاری بین‌المللی است (هراری، ۱۳۹۹: ۱۰۴). اما نظام حکومتی و تک حزبی چین، میزان استقلال رسانه‌ها و آزادی‌های اجتماعی در چین به گونه‌ای است که قادر به کسب اعتماد حداکثری دیگر جوامع نیست.

اگرچه امروزه نظام بین‌الملل از کشوری که نقش رهبری در مواجهه با بحران کرونا ایفا نماید محروم است اما در سال ۲۰۱۴ و در زمان شیوع ویروس ابولا، آمریکا در نقش چنین رهبری ظاهر شد. این کشور در هنگام بحران مالی سال ۲۰۰۸ نیز نقش مشابهی را بازی کرد و پیشاپیش چند کشور دیگر از نابودی اقتصاد جهانی جلوگیری کردند (هراری، ۱۳۹۹: ۱۱۰).

## ۶. مشارکت شهروندی در کشورهای دموکراتیک

در کشورهای دموکراتیک علاوه بر عرصه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و ... بسترهای مشارکت شهروندان در عرصه‌های بهداشتی و درمانی نیز مهیاست، که بی‌ارتباط با بحران کرونا نیست. در اکثر کشورهای دموکراتیک مکانیسمی برای مشارکت بیماران و مردم جامعه در حاکمیت نظام سلامت وجود دارد. معمولاً نمایندگان مردم و بیماران در فرآیند سیاستگذاری‌های سلامت مشارکت فعال دارند و نظرات آنها در نهایی‌سازی سیاست‌های سلامت مورد استفاده قرار می‌گیرد. بعنوان مثال در ژاپن در هر منطقه یک شورای بهداشتی درمانی تشکیل شده که طبق قانون مراقبت پزشکی نمایندگان بیماران باید در این شورا حضور داشته باشند و در مورد برنامه خدمات سلامتی منطقه خود نظر دهند. در انگلستان به منظور مشارکت بیشتر مردم در سیاستگذاری و برنامه‌ریزی سلامت، دیدبان سلامت انگلستان در سطح ملی و دیدبان سلامت محلی در سطح محلی تشکیل شده است. مردم و نمایندگان آنها با عضویت در این سازمان‌ها نظرات و پیشنهادهای خود را برای ارتقای کیفیت خدمات سلامت ارائه می‌کنند. این اقدامات منجر به تقویت پاسخگویی نظام سلامت این کشورها می‌شود (مصدق‌راد و رحیمی‌تبار، ۱۳۹۸: ۲۴). بنابراین با توجه به پاسخ‌گو بودن و شفافیت سیاست‌گذاری‌های عرصه سلامت و بهداشت عمومی، امکان و بسترهای مشارکت شهروندان در این عرصه، توجه به مقیاس محلی، استقرار دولت‌رفاهی و ... کشورهای دموکراتیک در مواجهه با بحران کرونا، کارآمدی بهتری خواهند داشت.

## ۷. شاخص‌های سرمایه اجتماعی و حقوق شهروندی در جوامع مختلف

ارتباط میان سرمایه اجتماعی و جامعه مدنی (که از ویژگی‌های جوامع دموکراتیک است) به گونه‌ای متقابل است؛ به عبارتی در یک چرخه‌ی متقابل، این دو به بازتولید یکدیگر کمک می‌کنند. به‌صورتی که جامعه مدنی زمینه‌های لازم را

برای امکان اعتمادپذیری افزایش می‌دهد و میزان خطاپذیری در اعتماد کردن را کاهش داده که به واسطه‌ی آن شرایط مطلوبی برای سرمایه اجتماعی فراهم می‌شود. از سوی دیگر، جامعه مدنی نیز نیازمند بستری است که زمینه‌های همفکری، اعتماد و مشارکت در آن تقویت شود که چنین زمینه‌هایی با پتانسیل سرمایه اجتماعی فراهم می‌شود. در جامعه مدنی سازمان‌های غیردولتی به عنوان نهادهای مدنی خارج از ساختار دولت قرار دارند و باعث می‌شوند توده‌های جمعی مردم بتوانند به صورت خودجوش ارتباط متقابل را فراهم نمایند (غفوری و جعفری، ۱۳۸۸: ۲۳۴). در روند بحران کرونا و سیاست‌های اتخاذی به منظور مقابله با آن، نقش مردم به عنوان سرمایه اجتماعی دولت اهمیت خود را به نمایش گذاشت. جان‌فشانی کادر درمان، پزشکان و سایر مشاغل پرخطر دیگر که مشغول مدیریت بحران و کنترل بیماری بودند، (میرحیدر، ۱۳۹۹: ۳) و همراهی شهروندان با سیاست‌های محدودیت‌آفرین متخذه، اهمیت این سرمایه اجتماعی را برجسته کرد. از طرفی سرمایه‌ی اجتماعی حداکثری در کشورهای دموکراتیک موجب شد اقدامات شجاعانه پزشکان و پرستاران با تصمیمات سیاست‌گذاران مطابقت بیشتری داشته باشد.

بنابراین در رابطه با بحران کرونا می‌توان مدعی بود که کارآمدی جوامع دموکراتیک در مواجهه با بحران کرونا به دلیل اعتماد متقابل دولت و مردم و همچنین وجود نهادهای مدنی و رسانه‌های مستقل، منتقدان و خبرنگاران نسبت به جوامع اقتدارگرا بهتر بوده است.

### پیام به سیاست‌گذاران

- در جریان بحران‌ها، نظارت متمرکز و تنبیه‌های شدید تنها راه مجاب کردن مردم در پذیرش خط‌مشی‌ها و سیاست‌های مفید نیست؛ بلکه توانمندسازی شهروندان و اعتمادآفرینی بین دولت و شهروند دستور کار مهمی است که باید مورد توجه قرار گیرد. وقتی که واقعیت‌های علمی اطلاع‌رسانی شود و مردم به مقامات دولتی اعتماد کنند، بدون نیاز به نظارت‌های شدید و سختگیرانه، به‌صورت خودانگیخته بهترین اقدامات را انجام خواهند داد.
- سیاستمداران باید واقف باشند که انزواگزینی ملی در جریان بحران کرونا کارساز و کارآمد نیست، بلکه اپیدمی و پیامدهای بحران اقتصادی ناشی از آن هر دو مسئله جهانی هستند و به وسیله همکاری جهانی می‌توانند بصورت کارآمد حل شوند. سیاستمداران و کشورها باید خواستار این باشند که آشکارا اطلاعاتشان را در اختیار یکدیگر بگذارند و خاضعانه به دنبال کسب راهکار از همدیگر باشند. بعلاوه باید بتوانند به این داده‌ها و بینش‌هایی که کسب می‌کنند اعتماد کنند. همچنین برای تولید و توزیع تجهیزات پزشکی به تلاشی جهانی نیاز است.

• مدیریت فضای داخلی هنگامی به سهولت و با مشارکت و رضایت شهروندان و حتی به صورت خودانگیخته جامعه‌ی عمل می‌پوشد که کشورها از سرمایه‌ی اجتماعی قابل توجه و بخصوص اعتماد اجتماعی برخوردار باشند. در غیاب سرمایه‌ی اجتماعی، بخصوص در کشورهای اقتدارگرا همچون چین، اقدام به خشونت به منظور اجبار و اقناع‌سازی شهروندان به اجرای دقیق دستورالعمل‌های بهداشتی در دستور کار قرار گرفت. عملکرد دولتمردان در اوج شیوع کرونا و دوران پساکرونا لازم است به سمت تقویت دولت رفاه گرایش پیدا کند همانطور که کشورهای دموکراتیک با اهدای کمک مالی و نیازمندی‌های معیشتی سعی نمودند به یاری شهروندان بیکار و درمانده در اثر قرنطینه برخیزند.

### پیام به مردم

• بحران کرونا در برخی نقاط دنیا با ایجاد ترس و وحشت در جامعه، بستر تبعیض و نابردباری را فراهم آورده است. در برخی جوامع، افراد یا اقلیت‌هایی که هدف حملات کلامی شده‌اند، نگران تبدیل این تهدیدات به تبعیض و حتی حملات فیزیکی هستند. در شرایطی که با توجه به پیش‌بینی‌های غم‌انگیز درباره‌ی کووید-۱۹ جهان با بدترین بحران زمانه‌ی صلح در دوران مدرن مواجه خواهد شد، و اوضاع سیاسی تیره و تار، همکاری‌های بین‌المللی بسیار محدود و بسیاری از دولت‌ها به دنبال سیاست‌های ناسیونالیستی، رشد بیشتر اقتدارگرایی، بیگانه‌هراسی، یک‌جانبه‌گرایی، ضدیت با ساختار حاکم و ضدیت با تخصص‌گرایی است، تقویت جامعه مدنی و تشکیل سپرهای انسانی در مقابل سیاست‌های خصمانه و آتش‌افروانه‌ی سیاستمداران لازم و ضروری است. بحران کرونا نه تنها نباید بهانه‌ای برای اعمال تبعیض و عداوت شهروندان علیه یکدیگر باشد، بلکه زنجیره‌های انسانی شهروندان با کنش‌های خودانگیخته باید مانع از اجرای سیاست‌های صلح‌ستیز سیاستمداران شوند.

### منابع

۱. احمدی پور، زهرا و حیدریان، مهدی (۱۳۹۶)، تحلیل الگوی فضایی رأی؛ مطالعه موردی: دهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی حوزه انتخابیه شمالی استان ایلام، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ۱۳، شماره ۴، ۷۵-۵۳
۲. برجیس، پیتر (۱۳۹۶): بررسی‌های جدید امنیت، مؤسسه انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۹۶، ترجمه: علیرضا طیب‌نیا
۳. روزنامه آفتاب یزد (۱۳۹۹): تفاوت‌های عملکردی دو کشور که امروز از مهار یک ویروس می‌گویند، کرونا مغلوب دموکراسی کرده جنوبی یا دیکتاتوری چین؟ دوشنبه ۱۸ فروردین ۱۳۹۹، سال ۲۱، شماره ۵۷۰۲
۴. پورمندی، احمد (۱۳۹۹): جهان پساکرونا، ایران و ناسیونالیسم ایرانی، دوماهنامه میهن، دوره جدید، شماره ۳۳، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۹



۵. جامی، مهدی (۱۳۹۹): از توفان عالمگیر کرونا با کدام کشتی نوح نجات می‌یابیم؟، دوماهنامه میهن، دوره جدید، شماره ۳۳، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۹
۶. غفوری، محمد و جعفری، روح‌الله (۱۳۸۸): سرمایه اجتماعی، جامعه مدنی و دموکراسی؛ رابطه متقابل یا یک سویه، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال سوم، شماره دوم، بهار ۱۳۸۷
۷. مصدق راد، علی‌محمد و پریسا رحیمی‌تبار (۱۳۹۸): الگوی حاکمیت نظام سلامت ایران: یک مطالعه تطبیقی، مجله علوم پزشکی رازی، دوره ۶، شماره ۹، آذرماه ۱۳۹۸
۸. میرحیدر، دره (۱۳۹۹): بررسی ویروس کرونا و تأثیرات آن از دیدگاه جغرافیای سیاسی، سخنرانی ارائه شده در انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، هفدهم تیرماه ۱۳۹۹

## دعوت به همکاری با رسانه ترویج علم "مدرس و جامعه (موج)"

نهاد دانشگاه با عمر بیش از صد ساله خود در ایران فراز و نشیب‌های بسیار داشته و مراحل مختلفی از رشد و پویایی را به خود دیده است. تأثیر آموزش عالی در این قرن بر زندگی و حیات مردم و کشور کم نظیر بوده و در باب آن کتاب‌ها به رشته تحریر درآمده و اقتضا دارد همچنان به گذشته، حال و آینده آن با دقت به کندوکاو بپردازیم.

به اختصار، دانشگاه در کشور برای حل مشکلات جامعه تأسیس شد. در ابتدا تربیت نیروی انسانی لازم برای نظام دیوانسالاری و ادارات یکی از نیازهای مهم بوده و آموزش عالی برای دهه‌ها با موفقیت به این مهم پرداخت. پس از انقلاب اسلامی، بتدریج دانشگاه‌های پژوهش محور مطرح شدند و با شکل‌گیری تحصیلات تکمیلی، نهاد دانشگاه به خوبی توانست از عهده این مأموریت برآمده و علاوه بر تربیت فرزندان کشور در بالاترین سطوح آموزشی و تنوع تخصصی، بحث روش‌های تحقیق، تحقیق و ایجاد آزمایشگاه‌های پیشرفته پژوهشی و علی‌نهایت نشر حاصل تحقیق در سمینارها و کنگره‌ها و مجلات داخل و خارج از کشور مطرح شد و توسعه یافت و در رقابت‌های نفس‌گیر منطقه‌ای و جهانی وارد و موفقیت‌های چشمگیری کسب نمود.

در حالی که ایران صاحب یک درصد جمعیت جهان است اما از نظر کمی و با شاخص چاپ مقالات بین‌المللی داوری شده، دو درصد از دانش جهان را تولید می‌کند. بیش از ۶۰ درصد از اسناد علمی ایران در بانک اطلاعاتی اسکوپوس (یعنی ۳۵۵۸۴۴ سند)، و ۶۲ درصد در پایگاه اسناد WoS مربوط به سال‌های اخیر (۲۰۱۹-۲۰۱۳) و در بدترین شرایط تحریم‌های سنگین بوده است.

از نظر کیفیت علم، بر اساس داده‌های مبتنی بر سه شاخص که میزان ارجاعات به مقالات ایرانیان را شامل می‌شود (شاخص هرش) و همچنین مقالات داغ و مقالات پر استناد، رتبه استنادی ایران از ۲۴ در سال ۲۰۱۲ به ۱۶ در سال ۲۰۱۹ ارتقاء یافته است. عدد شاخص هرش از ۱۵۰ در سال ۲۰۱۲ به ۳۱۳ در سال ۲۰۱۹ افزایش یافته. علاوه بر آن تعداد مقالات داغ و پر استناد ایران از ۱۰۴ مقاله در سال ۲۰۱۲ به ۴۵۸ مقاله در سال ۲۰۱۹ رسیده است و از این نظر دانشمندان ایرانی ۳,۱ درصد از مقالات پر استناد را در جهان تولید کرده‌اند. در منطقه، ۳۵,۳ درصد و در جهان اسلام ۳۲,۳ درصد از کل دانش پر ارزش توسط ایرانیان تولید شده است. بنابراین به نظر می‌رسد راهبرد جهت‌گیری صحیح در دانشگاه‌ها و حمایت از پژوهشگران پس از ۲۰ سال تلاش نتایج ارزشمند خود را نشان می‌دهد.

با مطرح شدن بحث دانشگاه‌های نسل سه و پرنسب شدن نقش آن‌ها در توسعه فناوری و حل مشکلات جامعه، حال باید دید مسیر آتی که دانشگاهیان به عنوان یکی از اقشار مرجع در کشور باید طی کنند چیست؟ در حال حاضر با تحریم‌های

سخت و بی‌نظیر در طول تاریخ ملل از یک سو و از سوی دیگر بحران اپیدمی ویروس کرونای جدید که مشکلات حاصل را در کشورمان دو چندان کرده، نقش دانشگاهیان در مشارکت اجتماعی برای مقابله با این چالش‌ها و ضرورت همراهی و همدلی با مردم بسیار پررنگ‌تر می‌نماید. امروزه با رشد آگاهی در جامعه، مطالبه‌ای مبارک از سوی مردم و مسئولین شکل گرفته که دانشگاه و دانشگاهیان بیش از پیش در حل مشکلات جامعه مداخله و مشارکت داشته باشند. مردم متقاضی آنند که فرزندان‌شان در مؤسسات آموزش عالی با دیده‌بانی علمی و دقیق مشکلات متنوع و حل آنها در حوزه‌های مختلف سلامت، مسائل اجتماعی، صنعتی، کشاورزی، محیط زیست و خدمات به یاری آنها بشتابند.

در آستانه انتشار یکصد شماره از سری گزارشات علمی کووید-۱۹ در پی آنیم تا با بسط حوزه دیده‌بانی این گزارشات علمی مشکلات مختلف جامعه را مورد کنکاش و تحلیل قرار داده و با ارائه توصیه‌های علمی به مردم، مدیران و مسئولان زمینه ادای دین و تأثیرگذاری اساتید دانشگاه در جامعه را فراهم کنیم. لذا سری یادداشت‌های دیده‌بانی علمی از شماره ۱۰۱ در چارچوب یک رسانه ترویج علم با نام "مدرس و جامعه" و با نام مخفف "موج" منتشر می‌شود. امید است این رسانه بستر مناسبی برای ایفای مسئولیت اجتماعی همکاران هیأت علمی و مجموعه دانشگاه تربیت مدرس در همه حوزه‌ها، علی‌الخصوص حوزه‌های کاربردی فراهم آورد، به نحوی که مشکلات را بصورت علمی دیده‌بانی نموده و در خصوص مخاطرات و راه حل‌ها با مردم و مسئولان سخن بگویند. ضمن دعوت از همه همکاران هیأت علمی برای پیوستن به این حرکت ترویجی، از همه کسانی که در دور اول فعالیت این رسانه به طرح نقطه نظرات علمی خود در خصوص بیماری کووید-۱۹ و پیامدهای آن پرداختند صمیمانه سپاسگزاری می‌شود.